

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

به بحث هفتم رسیدیم که مرحوم محقق حلی در شرایع می فرماید: يجوز نصب قاضيين في البلد الواحد لكل منهما جهة على انفراده و هل يجوز التشريك بينهما في الولاية الواحدة قيل بالمنع حصما لمادة اختلاف القريبين في الاختيار والوجه الجواز لان القضاء نيابة تتبع اختيار المنوب. (جواهر ج 4 ص 70)

کلام در این است که حالا فرض کنید که یک شهری هست و یک جمعیتی دارد، امام دو نفر را به عنوان قاضی منصوب کند؛ در شرایط فعلی شاید این مسأله امر بسیط و سهلی باشد چون در بعضی شهرها صدها قاضی حضور دارند و در برخی شهرهای بزرگ شاید از هزار قاضی هم بگذرد ولی در زمان های قدیم گاهی این طور بوده که یک شهر بوده و یک قاضی و او قضاوت می کرده. آن وقت این کلام پیش می آید که اگر قاضی بخواهد متعدد باشد جایز است یا ممکن نیست؟ در فرضی که قاضی متعدد باشد، خودش سه صورت در مسأله تصور می شود:

1- صورت اولی که در مسأله تصور می شود، این است که ما در شهر دو قاضی داشته باشیم و این دو هر کدام شان مأمور به رسیدگی یک چیز خاصی باشند، به یک نفر می گوئیم شما قاضی هستی در قم ولی به اختلافات خانوادگی رسیدگی کن، دیگری در قم به جرایم مواد مخدر و دیگری نسبت به مسائل حقوقی که این تحدید به موضوع رسیدگی است، گاهی هم تحدید در مکان است که مثلا یک طرف شهر به یک قاضی و در طرف دیگر آن به یک قاضی دیگر سپرده شود. یا تحدید زمانی باشد مثلا در مورد مرافعات پیش از ظهر یک قاضی و راجع به مرافعات بعد از ظهر یک قاضی دیگر رسیدگی کند.

2- صورت دوم آن است که محدودیتی از این جهت نباشد و هر دو صالح باشند به هر موضوعی در هر جای شهر و در هر زمانی رسیدگی کنند که خودش دو صورت دارد:

الف) با عدم تحدید صلاحیت موضوعی و زمانی و مکانی، بگوییم دو یا سه قاضی به نحو اشتراک در ولایت نصب شده اند یعنی باید با هم رسیدگی کنند.

ب) هر کدام می‌توانند در هر موضوعی مستقلاً رسیدگی کنند.

پس مجموعاً سه صورت در مسأله شد؛ اول این که تحدید در صلاحیت قاضی باشد یا در کار نباشد، سپس اگر تحدید در صلاحیت هست آن وقت این‌ها اشتراک در قضاء داشته باشند یا هر کدام منفرداً و مستقل از هم در همه چیز ورود داشته باشند. این بحث مسبوق به سابقه است ولی این که امروز در برخی موارد در حضور چند قاضی رأی اکثر پذیرفته می‌شود، مستحدث و محل کلام است.

اگر بگوییم این قاضی مسؤول است برای کارهایی که به او صلاحیت داده ایم مثل صلاحیت مکانی یا موضوعی یا زمانی، تعدد قاضی جایز است. ضمن این که لفظ قاضیین فی البلد موضوعیت ندارد بلکه موضوع بر بیش از یک قاضی صادق است چه دوتا چه بیشتر.

از اطلاق کلام مرحوم محقق استفاده می‌شود که لفظ جهت فرمود «لکل منهما جهة علی انفراد»، هر جهتی را شامل می‌شود اعم از زمانی، مکانی، نوعی و... ایشان در این فرمایش خود از قول مشهور فقهی در این فرع تبعیت کرده است و مرحوم علامه حلی در قواعد (ج 3 ص 422) و در تحریر (ج 2 ص 181) همین فتوا را دارند و مرحوم شهید اول در دروس (ج 2 ص 67) و شهید ثانی در مسالک (ج 13 ص 355) همین فتوا را دارد و مرحوم فاضل جواد در مفتاح الکرامه (ج 25 ص 32 چاپ جدید) که ایشان حتی ادعای نفی خلاف هم مطرح کرده است و مرحوم محقق نجفی هم در جواهر (ج 40 ص 59) همین ادعای نفی خلاف را دارند بنابراین می‌توان گفت این یک شهرت فتواییه است که وجود دارد و این شهرت مبتنی بر این است که اولی الامر می‌تواند در یک بلد قضات متعددی را نصب کند منتها لکل جهة علی انفراد.

پس اگر بپرسند مبنای صلاحیت محلی یا صلاحیت ذاتی یا صلاحیت نسبی که دانش حقوقی در مباحث آیین دادرسی مطرح اگر از نظر فقهی چیست؟ همین است که فقها گفته اند «يجوز نصب قاضیین فی البلد کل جهة علی انفراد» که هر کدام منفرداً کار بکنند؛ دلیل مرحوم محقق حلی این است که «لان القضاء نیابه» چون باب قضاء باب نیابت است و نیابت هم از منوب تبعیت می‌شود.

مثلاً یک صاحب خانه ای یک نفر یا دو نفر یا چهار نفر را برای فروش خانه وکیل کند، به یک نفر می‌گوید: شما وکیل که ایجاب بیع را انجام بدهی و به دیگری می‌گوید: شما وکیل که ثمن را از طرف من قبض کنی و به دیگری می‌گوید: شما وکیل در دفترخانه سند را ثبت کنی و به دیگری برای پرداخت ثمن وکالت می‌دهد. وکالت دادن تحت اختیار منوب عنه است لذا چون ولایت القضاء به دست امام است می‌تواند هرگونه خواست تحدید صلاحیت کند.

و الحمد لله رب العالمين

<http://feqhvaqaza.com>